

نقد و بررسی ذم زرارۀ بن الاعین رضی الله عنه در روایات (روایات انحراف اعتقادی)

□ سید ذبیح الله علوی *

چکیده

در میان اصحاب ائمه رضی الله عنهم زرارۀ ابن اعین از کسانی است که حجم زیادی از نقل روایات شیعه را به خود اختصاص داده. تعداد روایات ایشان حدود سه هزار حدیث می باشد. علاوه بر کثرت نقل، در نزد امام صادق رضی الله عنه از جایگاه ویژه برخوردار بوده. روایات زیادی که در مدح ایشان وارد شده در شأن کمتر کسی از اصحاب وارد شده. تاجایی که اکثر فقها وثاقت و اعتبار زرارۀ را مسلم دانسته اند. در مقابل روایات ذم و حتی لعن ایشان توسط امام صادق رضی الله عنه نیز وارد شده. این روایات هم از لحاظ شدت ذم و هم از لحاظ کثرت قابل توجه می باشد. فقهای شیعه در حل تعارض این دو دسته روایات، روایات مدح را مقدم دانسته اند و برای توجیه روایات ذم راحلهای مانند تضعیف سند روایات ذم، تقیه ای بودن روایات ذم یا حتی جعلی بودن آنها را مطرح نموده اند. در میان روایات ذم دسته ای مربوط به گرایش کلامی خواصی زرارۀ می باشد با اعتقادات شیعه همسویی نداشته و از طرف ائمه رضی الله عنهم مورد نقد واقع شده. در توجیه این دسته از روایات راحلهای دیگری نیز توسط برخی از محققین مطرح شده. که در این تحقیق مورد نقد و بررسی قرار گرفته. راحل اول عدم فهم درسته اصحاب از مقصود زرارۀ در استطاعت قبل از فعل می باشد که شواهدی نیز برای آن اقامه شد. راحل دیگری را برخی نقل کردن که روایات ذم وارده شده، جریان سازی مخالفین زرارۀ بر علیه او بوده و شواهدی نیز برای آن اقامه شده. راحل سوم این است که ردهای وارد شده نسبت رای و نظر زرارۀ می باشد نه نسبت به شخص زرارۀ.

واژگان کلیدی: زرارۀ، العین، عبدالربه، استطاعت، زرارۀ بن العین.

* سطح چهار فقه و اصول.

مبحث اول: مباحثی مقدماتی

قبل از ورود به بحث اصلی لازم مختصری در معرفی شناس نامه ای زراره مطالبی را مطرح کنیم

۱. شناسنامه زراره

نام زراره «عبدربه» بوده (طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۲۰ ه.ق.، ص ۲۰۹) و این عنوان «عبد الربه» در منابع رجالی مشترک بین چهار شخص ذکر شده: اول «عبد ربه بن أعین» چنانکه شیخ نقل می کند اسم زراره عبد ربه بوده. (همان) دوم «عبد ربه بن أبی میمون ابن یسار الأسدی» (طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۲۰ ه.ق.، ص ۲۴۳) سوم «عبد ربه بن رافع». (خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۲ ه.ش.، ج ۹ ص ۲۸۸) چهارم «عبد ربه (عبدویه) الغزالی الکوفی». (طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۲۷ ه.ق.، ص ۲۴۴) از این چهار نفر فقط زراره توثیق دارد و سه نفر دیگر مجهول است. ایشان در مورد اسم خود از امام صادق نیز روایتی نقل می کند که نجاشی آن را نقل می کند. قال أبا عبد الله عليه السلام «یا زرارة إن اسمک فی أسامی أهل الجنة بغير ألف قلت نعم جعلت فداک اسمی عبد ربه و لکنی لقبت بززارة».

لقب: «زرارة» بضم الزای المعجمة، (نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، ۱۴۱۷ ه.ق.، ص ۸۶۱) لقب ایشان بوده که در تمام روایات با این عنوان مطرح است. این عنوان مشترک بین سه نفر بوده. «زرارة بن أوفی». (خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۲ ه.ش.، ج ۷، ص ۲۵۷) «زرارة بن لطيفة أبو عامر الحضرمی الکوفی» (طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۲۷ ه.ق.، ص ۲۱۱، ش ۲۷۴۵) «زرارة بن أعین بن سنسن مولی لبني عبد الله بن عمرو (السمین) السیمین بن أسعد بن همام بن مرة بن ذهل بن شیبان أبو الحسن». (نجاشی، احمد بن علی، ۱۳۶۵ ه.ش.، ص ۱۷۵)

کنیه ایشان اباالحسن، ابا علی (طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۲۰ ه.ق.، ص ۲۰۹)

نسب: نسب ایشان از «أعین» (بفتح الیاء المثناة التحتانیة) (نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، ۱۴۱۷ ه.ق.، ص ۸۶۱) «بن سنسن» می باشد. طبق نقل شیخ اعین عبدی ورمی بوده نزد یکی از مردان قبیله بنی شیبان قرآن آموخته و آذاد شد (طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۲۷ ه.ق.، ص ۲۰۹) به اعتبار آن قبیله که نسبت شیبانی هم به زاره داده شده (عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۲۱

نقد و بررسی ذم زرارۀ بن الاعین رضی اللہ عنہ در روایات (روایات انحراف اعتقادی) □ ۷۱

ه ق، ج ۲، ص ۹۸۰) اگرچه برخی نقل کردند که اعین شخصی ایرانی بوده که قصد داشته نزد امیرالمومنین رضی اللہ عنہ برود تا با دست حضرت اسلام بیاورد در مسیر راه گرفتار مردمی از بنی شیبان می‌گردد. (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت رضی اللہ عنہم (بالعربیة)، ج ۱۷، ص ۲۲۶، نقل از تکملة رسالة أبي غالب للغضائری)

جد ایشان «سنسن» بضم السين المهملة و إسكان النون و بعدها سین مهملة و بعدها نون (نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، ۱۴۱۷ ه.ق، ص ۸۶۱) که یک راهیب رومی بوده میباشد. البته طبق این نقل ایرانی نمی شود.

طبقه و روایات: زرارۀ در طبقه امام محمد باقر رضی اللہ عنہ و امام جعفر الصادق رضی اللہ عنہ زندگی می‌کرده. با فاصله بسیار کمی بعد از امام صادق رضی اللہ عنہ از دنیا رفته است. طبق تقسیم علامه مجلسی ایشان در طبقه چهارم و پنجم قرار می‌گیرد. روایات که از زرارۀ با عنوان زرارۀ نقل شده به دو هزار نود چهار روایت می‌رسد. (خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۲ ه.ش، ج ۷ ص ۲۴۷)

کتب و مصنفات راوی: شیخ طوسی رضی اللہ عنہ می‌فرماید لززارۀ مصنفات منها: کتاب الإستطاعة و الجبر. (طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۲۰ ه.ق، ص ۲۱۰) نجاشی نیز می‌فرماید که قال أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه رضی اللہ عنہ: رأیت له کتابا فی الاستطاعة و الجبر. (نجاشی، احمد بن علی، ۱۳۶۵ ه.ش، ص ۱۷۵)

۲. مذهب و گرایشات

آنچه مشهور است ایشان از بزرگان شعیه دوازده امامی بوده. چنانکه در توثیق ایشان روایات مدح از ائمه معصومین و رجالین نقل شده. در تنقیح المقال آمده که ایشان در ابتدا عامی بوده و بعدا هدایت به مذهب حق شده و شاهد نیز ذکر فرموده.

ان زرارۀ کان فی الاصل عامیّا ثمّ اهتدی الی الحقّ کما یکشف عن ذلک ما مرّ نقله فی ترجمه الحکم بن عیینہ عن الکشی عن علی بن الحسن بن فضالّ انّه کان قال کان الحکم من فقهاء العامّة و کان استاد زرارۀ و حمران و الطیار قبل ان یروا هذا الامر و ببالی انّی وجدت فی البحار ایضا انّ زرارۀ کان فی ابتداء امره عامیّا ثمّ

استبصر و اهتدای و مهن یهدی الله فهو المهتدی الثانی (مامقانی عبدالله،

۱۳۸۱ ه.ش، ج ۱، ۴۴۵)

اما از برخی نقل ها استفاده می شود که ایشان در در برخی از مباحث کلامی گرایش خاصی داشتند و با متکلمین زمان خودش همسویی نداشته است. در بحث استطاعت و فاعل مختار نظریات از ایشان نقل شده که از جانب ائمه مورد رد قرار گرفته. بحث مفصل آن در بررسی روایات ذم خواهد آمد انشا الله.

۳. توثیق

زراره از شخصیات های بسیار تأثیر گزار بر مذهب شیعه است که مدایحی در کلام ائمه معصومین در شأن ایشان وارد شده که در شأن کمتر کسی از اصحاب ائمه ذکر شده. در حدیثی صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت فرمودند: «خداوند زرارة بن اعین را رحمت کند! اگر زراره و همانند وی نبودند، احادیث پدرم از بین می رفت.» (کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۳۴۸)

کشی وی را در زمره اصحاب خاص امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام که بعدها اصحاب اجماع نام گرفتند قرار داده است. (خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۲ ه.ش، ۸، ص ۲۲۷)، روایات مدح «زرارة بن اعین» در مجموع، بیست و پنج مورد است که در این روایات، وی به طور صریح یا ضمنی مورد مدح قرار گرفته است که در چهارده مورد «زراره» به تنهایی و در یازده مورد به همراه دیگران مورد توثیق جمعی واقع شده است. این راوی جلیل القدر در روایاتی به طور صریح با عباراتی هم چون «السابقون السابقون»، «اوتاد الأرض و أعلام الدین»، «نجوم شیعتی» و «حواری محمد بن علی علیه السلام و جعفر بن محمد علیه السلام» مدح شده است. (کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۱، ص ۳۴۸)

اما از طرف دیگر، در روایاتی زراره مورد ذم شدید و گاهی لعن واقع شده است. ذم وی تا حدی است که از امام صادق علیه السلام در باره وی نقل شده است: «ما احدث احد فی الاسلام ما احدث زراره لعنه الله» و یا وی را «شر من اليهود و النصارى» (کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۱، ص ۳۸۱)، معرفی می کنند.

حدود سی عدد روایت بر ذم ایشان در رجال کشی نقل شده که آقای خوئی آنها را به سه دسته تقسیم می‌کند. (مجله فقه أهل البيت علیهم السلام (بالعربیة)، ج ۱۷، ص ۲۳۰) برخی از روایات دلالت دارد که ایشان نسبت به امامت امام کاظم علیه سلام در شک بودند و در این حال از دینا رفتند. دسته دیگر روایاتی از زرارۀ نقل شده که با ایمان شیعه منافات دارد. برخی از این مورد مربوط به مسئله کلامی زرارۀ می‌باشد. دسته سوم روایاتی که در آنها زرارۀ از طرف امام مورد قدح و حتی لعن واقع شده.

با این همه آنچه در نزد فقهای شیعه مسلم است وثاقت و جلالت ایشان است که نیاز به بحث ندارد. در حل روایات ذم عده‌ای را بخاطر ضعف سند نپذیرفته اند و آن دسته از روایات هم که مشکل سندی ندارند چون در مقابل امر مسلم قرار داگرفته اند توسط فقها و محدثین شیعه حمل و توجیه شده اند. (خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۲ ه. ش، ج ۸، ص ۲۳۸) آنچه در حمل این روایات مطرح شده تقیه‌ای بودن آنها می‌باشد. شواهدی تاریخی و روایی نیز برای آن وجود دارد. (همان) راحل دیگر که مطرح شده عدم توان معارضه این دسته روایات در مقابل روایات مدح می‌باشد. اما مطلبی که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد روایاتی است که بر گرایش کلامی خواص ایشان یا انحراف کلامی دلالت دارد که از طرف ائمه علیهم السلام مورد پذیرش قرار نگرفته است و تعبیرهای تنیدی مانند لعن در در شأن ایشان صادر شده. لذا در این مختصر راحل حمل و توجیه این روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبحث دوم: روایات دال بر انحراف کلامی زرارۀ

۱. حدثنی حمدویہ و ابراهیم ابنا نصیر قالوا حدثنا العبیدی عن هشام بن ابراهیم الختلی و هو المشرقی قال قال لی أبو الحسن الخراسانی علیه السلام: «کیف تقولون فی الاستطاعة بعد یونس فذهب فیها مذهب زرارۀ و مذهب زرارۀ هو الخطاء فقلت لا و لکنه بأبی أنت و أمی ما یقول زرارۀ فی الاستطاعة و قول زرارۀ فیمن قدر و نحن منه براء و لیس من دین آبائک و قال الآخرون بالجبر و نحن منه براء و لیس من دین آبائک قال فبأی شیء تقولون؟ قلت بقول أبی عبد الله علیه السلام و سألت عن قول الله عز و جل «و لله علی الناس حج البيت من استطاع إليه سبیلاً» ما استطاعته؟ قال فقال أبو عبد الله

عبدالله بن عمر، محمد بن عمر، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۱۴۶)

۲. حدثني طاهر بن عيسى الوراق قال حدثني جعفر بن أحمد بن أيوب قال حدثني أبو الحسن صالح بن أبي حماد الرازي عن ابن أبي نجران عن علي بن أبي حمزة عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال قلت للذين آمنوا و لم يلبسوا إيمانهم بظلم؟ قال أعاذنا الله و إياك من ذلك الظلم قلت ما هو؟ قال هو و الله ما أحدث زرارة و أبو حنيفة و هذا الضرب قال قلت الزنا معه؟ قال الزنا ذنب. (كشي، محمد بن عمر، ۱۴۰۴ ه.ق، ص: ۱۴۶)

مرحوم آقای خوئی رحمته الله فرمودند ه این روایت ضعیف است حداقلش از جانب علی بن ابی حمزه (خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۲ ه.ش، جلد: ۸، صفحه: ۲۴۶،)

۳. حدثني محمد بن نصير قال حدثني محمد بن عيسى عن حفص مؤذن علي بن يقطين يكنى أبا محمد عن أبي بصير قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام الذين آمنوا و لم يلبسوا إيمانهم بظلم؟ قال أعاذنا الله و إياك يا أبا بصير من ذلك الظلم ذلك ما ذهب فيه زرارة و أصحابه و أبو حنيفة و أصحابه.

در سند این روایت نیز فرمودند که حفص المؤذن مجهول است. (همان)

۴. حدثني أبو جعفر محمد بن قولويه قال حدثني محمد بن أبي القاسم أبو عبد الله المعروف بماجيلويه عن زياد بن أبي الحلال قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إن زرارة روى عنك في الاستطاعة شيئاً قبلنا منه و صدقناه و قد أحببت أن أعرضه عليك. فقال: هاته قلت: فزعم أنه سألك عن قول الله عز و جل و لله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً (آل عمران، آیه ۹۷). فقلت: من ملك زادا و راحلة. فقال: كل من ملك زادا و راحلة فهو مستطيع للحج و إن لم يحج؟ فقلت: نعم. فقال: ليس هكذا سألتني و لا هكذا قلت، كذب على و الله كذب على و الله لعن الله زرارة لعن الله زرارة لعن الله زرارة إنما قال لي من كان له زاد و راحلة فهو مستطيع للحج؟ قلت: و قد وجب عليه قال فمستطيع هو. فقلت: لا حتى يؤذن له. قلت: فأخبر زرارة بذلك. قال: نعم.

قال زياد: فقدمت الكوفة فلقيت زرارة فأخبرته بما قال أبو عبد الله عليه السلام و سكت عن لعنه

فقال: أما إنه قد أعطاني الاستطاعة من حيث لا يعلم و صاحبكم هذا ليس له بصيرة بكلام الرجال. (كشي، محمد بن عمر، ١٤٠٤ هـ. ق، ص ١٤٧)

٥. حدثنا محمد بن مسعود قال حدثني جبريل بن أحمد قال حدثني محمد بن عيسى بن عبيد قال حدثني يونس بن عبد الرحمن عن عمر بن أبان عن عبد الرحيم القصير قال قال لي أبو عبد الله عليه السلام أيت زرارة و يريدنا فقل لهما ما هذه البدعة التي ابتدعتها؟ أما علمتما أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال كل بدعة ضلالة؟ قلت: له إنني أخاف منهما فأرسل معي ليثا المرادي. فأتينا زرارة فقلنا له ما قال أبو عبد الله عليه السلام. فقال: والله لقد أعطاني الاستطاعة و ما شعر فأما يريد فقال لا والله لا أرجع عنها أبدا. (كشي، محمد بن عمر، ١٤٠٤ هـ. ق، ص ١٤٨)

در سند این روایت أبان مجهول و عبد الرحيم مهمل است (خوئی، سيد ابوالقاسم، ١٣٧٢ هـ. ش، ج

٨، صفحه: ٢٤٨)،

٦. حدثني أبو الحسن محمد بن بحر الكرماني الدهني النرماشيري قال و كان من الغلاة الحنقيين قال حدثني أبو العباس المحاربي الجزري قال حدثنا يعقوب بن يزيد قال حدثنا فضالة بن أيوب عن فضيل الرسان قال: قيل لأبي عبد الله عليه السلام إن زُرارة يدعى أنه أخذ عنك الاستطاعة قال لهم عفرا كيف أصنع بهم و هذا المرادي بين يدي و قد أريته و هو أعمى بين السماء و الأرض فشك و أضمر أني ساجر، فقلت اللهم لو لم تكن جهنم إلا سكرجة لوسعها آل أعين بن سنسن، قيل فحمران قال حمران ليس منهم. (كشي، محمد بن عمر، ١٤٠٤ هـ. ق، ص ١٤٨)

٧. محمد بن مسعود قال حدثني محمد بن عيسى عن حريز قال خرجت إلى فارس و خرج معنا محمد الحلبي إلى مكة فانفق قدومنا جمعا إلى حين. فسألت الحلبي فقلت له أطرافنا بشيء. قال نعم جئتكم بما تكره. قلت لأبي عبد الله عليه السلام ما تقول في الاستطاعة؟ فقال ليس من ديني و لا دين آبائي فقلت الآن تلج عن صدري و الله لا أعود لهم مريضا و لا أشيع لهم جنازة و لا أعطيهم شيئا من زكاة مالي قال فاستوى أبو عبد الله عليه السلام جالسا و قال لي كيف قلت؟ فأعدت عليه الكلام فقال أبو عبد الله عليه السلام كان أبي عليه السلام يقول أولئك قوم حرم الله و جوههم على النار فقلت جعلت فداك فكيف قلت لي ليس من ديني و لا دين آبائي؟ قال إنما أعني بذلك قول زرارة و أشباهه. (كشي،

محمد بن عمر، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۱۵۰)

گفته شده که در سند این روایت اعتشاش وجود دارد زیرا اولاً محمد بن عیسی قاعدتا باید از حرین با واسطه نقل روایت کند. ثانیاً ممکن است که مراد از محمد الحلبی، ابن عبیدالله ابن علی الحلبی یا محمد بن علی برادر عبیدالله باشد که از حلب به سمت سجستان و فارس و مکه خارج شد. (حسن المصطفوی، تعلیقه رجال کشی (اختیار معرفه الرجال)، بی تا، ص ۱۵۰)

۸. حدثنا محمد بن مسعود قال حدثني جبريل بن أحمد قال حدثني محمد بن عيسى بن عبید قال حدثني يونس بن عبد الرحمن عن عمر بن أبان عن عبد الرحيم القصير قال قال لي أبو عبد الله (عليه السلام) أيت زارة و بریدا فقل لهما ما هذه البدعة التي ابتدعتها؟ أما علمتما أن رسول الله ﷺ قال كل بدعة ضلالة؟ قلت له إني أخاف منهما فأرسل معي ليثا المرادي فأتينا زارة فقلنا له ما قال أبو عبد الله ﷺ فقال و الله لقد أعطاني الاستطاعة و ما شعر فأما برید فقال لا و الله لا أرجع عنها أبدا. (كشي، محمد بن عمر، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۱۴۸)

۹. حدثني محمد بن مسعود قال حدثني جبريل بن أحمد عن محمد بن عيسى عن علي بن الحكم عن سيف بن عميرة عن عامر بن عبد الله بن جذاعة قال قلت لأبي عبد الله ﷺ إن امرأتی تقول بقول زارة و محمد بن مسلم في الاستطاعة و ترى رأيهما؟ فقال ما للنساء و الرأي و القول لها أنهما ليسا بشيء في ولاية قال فجئت إلى امرأتی فحدثتها فرجعت عن ذلك القول. (كشي، محمد بن عمر، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۱۶۸)

۱۰. حدثني محمد بن مسعود قال حدثني جبريل بن أحمد عن محمد بن عيسى بن عبید عن يونس عن أبي الصباح قال سمعت أبا عبد الله ﷺ يقول يا أبا الصباح هلك المترسبون في أديانهم منهم زارة و برید و محمد بن مسلم و إسماعيل الجعفي و ذكر آخر لم أحفظ. (كشي، محمد بن عمر، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۱۶۹)

از مجموع روایات مذکور عده از آنها که روایت دو، سه، پنج و هفت مشکل سندی دارند لذا توان مقابله با روایات صحیح السند مدح را ندارند. اما تعارض شیش روایت دیگر نیز به شرح زیل توجیه گردیده.

توجیه و حمل روایات دال بر انحراف کلامی زرارہ

از مجموع ده روایات که در این موضوع وارد شده چهار روایت مشکل سند دارد لذا مورد قبول واقع نمی شود. نستب به الباقی نیز باید گفت که چون وثاقت و جلالت زرارہ امر مسلم است، باید حمل و توجیه شود. در حمل این روایت سه نظریه مطرح شده.

۱. احتمال عدم فهم درست از معنی استطاعت مد نظر زرارہ

باتوجه به اینکه این روایت در مورد موضوع استطاعت مکلف وارد شده و استطاعت نیز از مباحث کلامی مطرح در آن عصر بوده که زرارہ نیز نظر خود را در میان اصحاب بیان میفرمودند. ولی عده‌ای من جمله همین ناقلین روایات فهم درست از معنی استطاعت مد نظر زرارہ پیدا نمی کردند و فهم غلط خود را به ایشان نسبت می دادند. در حالی که استطاعت مد نظر زرارہ عین همان چیزی است که امام صادق بیان فرموده اند، ولی بخاطر دقیق بودن مطلب برخی از اصحاب بیان زرارہ را درست متوجه نمی شدند و همان فهم غلط خود را برای امام رضی اللہ عنہ نقل می کردند که از جانب ائمه مورد رد واقع می شد. و شاهد بر این مطلب روایاتی نیز وارد شده که خود زرارہ تصریح کرده راوی فهم صحیح از استطاعت نداشته و فهم غلط خود را بیان کرد.

عَنْ زِيَادِ بْنِ أَبِي الْحَلَالِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ رضی اللہ عنہ إِنَّ زُرَّارَةَ رَوَى عَنْكَ فِي
الِاسْتِطَاعَةِ شَيْئًا فَقَبِلْنَا مِنْهُ وَصَدَّقْتَاهُ وَ قَدْ أَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَضَهُ عَلَيْكَ فَقَالَ هَاتِيهِ
فَقُلْتُ زَعَمَ أَنَّهُ سَأَلَكَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنْ
اسْتِطَاعٍ إِلَيْهِ سَبِيلًا فَقُلْتُ مَنْ مَلَكَ زَادًا وَ رَاحِلَةً فَقَالَ كُلُّ مَنْ مَلَكَ زَادًا وَ رَاحِلَةً
فَهُوَ مُسْتَطِيعٌ لِلْحَجِّ وَ إِنْ لَمْ يَحِجَّ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ لَيْسَ هَكَذَا سَأَلَنِي وَ لَا هَكَذَا
قُلْتُ كَذَبَ عَلَى وَ اللَّهِ كَذَبَ عَلَى وَ اللَّهِ لَعَنَ اللَّهُ زُرَّارَةَ لَعَنَ اللَّهُ زُرَّارَةَ إِنَّمَا قَالَ
لِي مَنْ كَانَ لَهُ زَادٌ وَ رَاحِلَةٌ فَهُوَ مُسْتَطِيعٌ لِلْحَجِّ قُلْتُ وَ قَدْ وَجَبَ عَلَيْهِ قَالَ
فَمُسْتَطِيعٌ هُوَ قُلْتُ لَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَهُ قُلْتُ فَأَخْبِرْ زُرَّارَةَ بِذَلِكَ قَالَ نَعَمْ قَالَ زِيَادٌ
فَقَدِمْتُ الْكُوفَةَ فَلَقِيْتُ زُرَّارَةَ فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ رضی اللہ عنہ وَ سَكَتُ عَنْ لَعْنِهِ
قَالَ أَمَا إِنَّهُ قَدْ أَعْطَانِي الْإِسْطِطَاعَةَ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ وَ صَاحِبُكُمْ هَذَا لَيْسَ لَهُ
بَصِيرَةٌ بِكَلَامِ الرَّجُلِ

زیاد می‌گوید به امام صادق علیه السلام گفتم به راستی که زراره چیزی از شما درباره استطاعت نقل کرده، پس ما از او پذیرفتیم و او را تصدیق کردیم، و واقعا دوست دارم که آن مطلب را بر شما عرضه کنم (تا شما آن را تأیید فرمایید). حضرت فرمود (آن چه زراره گفته) بیاور. پس گفتم زراره چنین می‌پندارد که او درباره این گفته خدای عز و جل از شما پرسیده که «و برای خدا، حج آن خانه، بر عهده مردم است [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد» پس شما پاسخ دادی (حج بر) کسی است که زاد و راحله داشته باشد. پس او از شما پرسیده آیا کسی که زاد و راحله داشته باشد پس او مستطیع است هر چند حج انجام نداده باشد؟ شما پاسخ فرمودی آری (زیاد می‌گوید) حضرت در پاسخ من فرمود: نه این چنین زراره از من پرسیده و نه این چنین من پاسخ داده‌ام، سوگند به خدا بر من دروغ بسته، سوگند به خدا بر من دروغ بسته، خدا زراره را لعنت کند، خدا زراره را لعنت کند. همانا (زراره) از من پرسید: کسی که زاد و راحله داشته باشد پس (آیا) او برای حج مستطیع است؟ پاسخ دادم: حج بر او واجب گشته است. پرسید: (اگر حج بر او واجب شده) پس او مستطیع است؟ پاسخ دادم: نه، تا وقتی که (از سوی خدا) اذن داده نشده (مستطیع نیست). (زیاد می‌گوید به امام صادق علیه السلام) گفتم: زراره را از این مطالب آگاه کنم؟ حضرت فرمود: آری. زیاد می‌گوید پس به کوفه آمدم و زراره را ملاقات کردم و آن چه را که امام صادق علیه السلام فرموده بود به او خبر دادم. (اما) از لعن او (توسط امام) سکوت کردم (زراره پس از شنیدن سخنان من روی به دیگران کرده و) گفت آگاه باشید که امام (با این بیان) در واقع استطاعت را از جایی که دانسته نمی‌شود (و مردم عادی متوجه آن نمی‌شوند) به من داده (و آن را تأیید کرده) و (لکن) این صاحب (و رفیق) شما، به سخنان آن مرد (یعنی امام صادق علیه السلام) بینش (و زیرکی لازم) را ندارد.

از این روایت روشن می‌شود که مقصود زراره برای همگان روشن نبوده است. چرا که زراره از این کلام امام همان استطاعتی را درک کرده که نظر خودش بوده و حال آن که راوی در این زمینه بصیرتی نداشته. عدم درک اصحاب از مبنای زراره در احادیث دیگر نیز شاهد دارد:

عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنْتِ زُرَّارَةٌ وَ بَرِيدَةٌ وَ قُلُّ لُهُمَا مَا هَذِهِ الْبِدْعَةُ أَمْ مَا عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ فَقُلْتُ لَهُ إِنِّي

أَخَافُ مِنْهُمَا فَأَرْسَلَ مَعِيَ لَيْثَ الْمُرَادِي فَآتَيْنَا زُرَّارَةَ فَقُلْنَا لَهُ مَا قَالَ أَبُو عَبِيدٍ
اللَّهُمَّ فَقَالَ وَاللَّهِ لَقَدْ أَعْطَانِي الْإِسْتِطَاعَةَ وَ مَا شَعَرَ وَ أَمَّا بُرَيْدٌ فَقَالَ وَاللَّهِ لَا
أَرْجِعُ عَنْهَا أَبَدًا.

ظاهر بخش نخست روایت این است که امام صادق زرارۀ و برید را به خاطر مبنایشان توبیخ می فرماید. اما انتهای حدیث بیانگر این است که آن چه زرارۀ از کلام امام فهمیده، با آن چه روایان حدیث متوجه شده اند متفاوت است. زرارۀ مدعی است که مستندش در استطاعت کلام خود امام است ولی روای متوجه آن نشده است. برید هم با شخصیت فوق العاده اش تأکید می کند هرگز از استطاعت دست برنخواهد داشت. همه اینها قراین این امر است که مطلب زرارۀ در حد درک همگان نبوده است.

نقد: این احتمال با تصریح فرمایش حضرت که عمل زرارۀ مصداق ظلم معرفی می کند یا آن روایتی که شخصی را حضرت می فرستد تا زرارۀ و برید را از عملش منع کند قابل جمع نیست. زیرا نمی شود گفت که امام مقصود زرارۀ را از استطاعت نفهمیده باشد. ثانیاً بر فرض که دیگران مقصود زرارۀ نفهمیده باشد اما به محضر امام مراجعه می کنند با توجه به جایگاه که زرارۀ و برید نزد امام صادق داشتند، حضرت قطعاً فهم درست مطلب بیان می کرد نه اینکه زرارۀ مورد لعن و سرزنش قرار دهند.

جواب: کلام امام در اینگونه موارد به صورت صریح نظر زرارۀ را رد کرده ناظر به همان نظر و رای بوده که ناقلان قول زرارۀ از کلام ایشان فهمیده بود و آن را برای امام علیه سلام نقل می کردند. حضرت نیز براین اینکه این فهم غلط رواج پیدا نکند و مردم ملتزم به آن نشوند لذا قائل آن را مورد مذمت قرار می دادند. چنانکه در روایتی از امام صادق خطاب به حمزة بن حرمان، برادرزاده زرارۀ، نیز تأکید شده است که حضرت از آنچه دیگران از زرارۀ نقل کرده اند براءت جسته است، نه از خود زرارۀ.

حدثني حمدويه بن نصير قال حدثني محمد بن عيسى بن عبيد عن ابن أبي عمير
عن عبد الرحمن بن الحجاج عن حمزة قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام بلغني أنك برئت
من عمي يعني زرارَةَ؟ قال فقال أنا لم أبرأ من زرارَةَ لكنهم يجيئون ويذكرون ويروون
عنه فلو سكت عنه ألزمونيهِ فأقول من قال هذا فأنا إلى الله منه بريء.

محمد بن مسعود قال حدثنی عبد الله بن محمد بن خالد قال حدثنی الوشاء عن ابن خدّاش عن علی بن إسماعیل عن ربیع عن الهیثم بن حفص العطار قال سمعت حمزة بن حرمان یقول حین قدم من الیمن لقیته أبا عبد الله علیه السلام فقلت له بلغنی أنك لعنت عمی زرارة؟ قال فرّعه یده حتی صک بها صدره ثم قال لا والله ما قلت ولکنکم تأتون عنه بأشیاء فأقول من قال هذا فأنا منه بریء قال قلت فأحکی لك ما یقول؟ قال نعم قال قلت إن الله عز وجل لم یكلف العباد إلا ما یطیقون وأنهم لن یعملوا إلا أن یشاء الله و یرید و یقضی قال هو والله الحق ودخل علینا صاحب الزطی فقال له یا میسر أ لست علی هذا؟ قال علی أی شیء أصلحك الله أو جعلت فداک؟ قال فأعاد هذا القول علیه كما قلت له ثم قال هذا والله دینی و دین آبائی. (کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۴ هـ. ق، ص: ۱۴۷-۱۴۶)

۲. جریان سازی علیه زراره «تاثیر جریان فکری متقابل در جرح زراره»

احتمال دیگری که در حل تعارض روایات جرح و تعدیل مطرح شده، این است که گروهی از شیعیان در صدد جریان سازی علیه بوده اند. پژوهش در متن روایات، بیانگر آن است که موضوع این دسته از روایات مربوط به بحث استطاعت است. قول وی به استطاعت قبل از فعل، یکی از مهم ترین عوامل تمایز فکری جریان زراره، از دیگر جریان های امامی بود که موجب آن شد در محافل امامی و غیر امامی به صورت وسیع هدف جریان سازی قرار گیرد. بدیهی است تبیین معنای استطاعت و دیدگاه های مختلف در این باره کمک در فهم مسأله می نماید که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

باتوجه به اینکه بحث های کلامی در قرن دوم هجری اوج گرفته و مباحث مختلف کلامی در میان مسلمانان مطرح بود. از جمله مباحث کلامی مطرح بحث استطاعت مکلف بود که این بحث در عصر امام صادق علیه السلام، هم ردیف با بحث در باره توحید و امامت از مهم ترین مباحث کلامی عصر به شمار می آمد. روایات موجود نیز حاکی از آن است که این مباحث حتی تا زمان امام رضا علیه السلام چالش برانگیز بوده است. از زراره نیز در این باره موضع کلامی خاصی مطرح شده است. از وی کتابی با عنوان «الاستطاعة و العبر» گزارش شده که در اختیار شیخ صدوق

نیز بوده است. (خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۲ ه. ش، ج ۷ ص: ۲۱۸)

از همان زمان مهم ترین بحث کلامی مورد اختلاف مسئله جبر و اختیار مکلفین بود. قایلان به استطاعت نگرش اختیارگرا و مخالفان معمولاً رویکردی جبرگرایانه داشته اند. (مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه بزرگ اسلامی نویسنده، (سایت مدرسه فقاہت <https://lib.eshia.ir/23022/1>، ج ۸ ص ۳۳۲۱،)

امامیه نیز با رویکردهای متفاوتی به بررسی استطاعت انسان پرداخته و آرای مختلفی ابراز داشته اند. متکلمان در این که استطاعت انسان در انجام افعال از سوی خداوند است، مناقشه نداشتند. اختلاف آنان در این بود که این استطاعت قبل از شروع فعل در او وجود دارد یا هم زمان با شروع فعل از سوی خداوند در انسان آفریده می شود. (همان، ص ۳۳۲۱)

بحث از استطاعت در امامیه بیشتر در پی پاسخ به این سؤال مطرح شد که آیا می توان معاصی عباد را به خداوند نسبت داد یا نه؟ (موسوی نیا، سعیده سادات، بررسی روایات لعن «زرارة بن اعین» با توجه به جریان های کلامی امامیه، نشریه علوم حدیث، دوره ۲۰ (۱۳۹۴)، شماره ۷۵، ص ۱۲۵) از این رو است که «برقی» روایات مربوط به بحث استطاعت را در کتاب المحاسن در باب «خلق الخیر و الشر» (برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ۱۳۷۱ ق.، المحاسن، ج ۱، ص: ۲۸۴) آورده است.

برخی متکلمین از چهار فرقه در مذهب شیعه در موضوع «استطاعت» نام می برد که عبارت اند از: (الاشعری، ابوالحسن، ج ۱، ص ۴۲)

فرقه اول. شاگردان «هشام بن حکم» که بر این باورند که استطاعت عبارت از گرد آمدن پنج امر در کنار هم است: تندرستی، رهایی از شرایط محیط، زمان، ابزاری که فعل با آن انجام می گیرد و سبب وارد که انگیزه رخ دادن فعل می شود. به نظر آنان، برخی از این امور پیش از فعل وجود دارند و برخی از آنها تنها در زمان فعل به وجود می آیند. به عبارت دیگر، وقتی فعل به ضرورت، وجود می یابد که خدا سبب را پدید آورد.

فرقه دوم. «زرارة بن اعین» و «عبید بن زرارۃ» و «محمد بن حکیم» و «عبد الله بن بکیر» و «هشام بن سالم جوالبقی» و «حمید بن رباح» و «مؤمن طاق» هستند. اینان بر این باورند

که استطاعت قبل از فعل و همان صحت جسمانی است و هر انسان سالمی مستطیع است. از هشام بن سالم نیز قریب به همین مطلب نقل شده است. (الاشعری ابو الحسن، ج ۱ ص ۴۳) فرقه سوم. شاگردان «ابو مالک حضرمی» هستند که استطاعت را مع الفعل می دانند؛ البته با این تفاوت که انسان با توانایی خود، نه دیگری قادر به انجام فعل است؛ هر چند «زرقان» از وی حکایت کرده است که استطاعت را قبل از فعل می داند، چه در انجام و چه در ترک آن. فرقه چهارم. گروهی که معتقدند انسان با توجه به ابزاری که پیدا می کند، از جهتی قادر و از جهتی غیر قادر به شمار می آید. (الاشعری ابو الحسن، ج ۱، ص ۴۳) همان طور که از گزارش پیدا است، دو گرایش از این چهار گرایش اصلی مربوط به زراره و هشام بن حکم بوده است.

از میان فرق چهارگانه ای که در باره موضوع استطاعت معرفی شد، تقابل دو مکتب «زراره بن اعین» که هم فکر هشام بن سالم بوده با «هشام بن حکم» به خوبی نمایان است. در ادامه به تبیین بیشتر این دو جریان فکری خواهیم پرداخت.

زراره، در تفسیر استطاعت برای حج معتقد بود، فرد دارای توانایی جسمی، حتی اگر حج نرود و عمل حج را انجام ندهد، مستطیع بوده است. برخی از معتزله نیز بر این عقیده بودند. از این رو است که زراره به مسلک قدری متهم شده است؛ چراکه وی، همانند معتزله، استطاعت را قبل از فعل می دانست. زراره معتقد بود که خداوند استطاعت را پیش از عمل خلق می کند، نه ضمن آن. (موسوی نیا، سعیده سادات، ص ۱۲۵)

مؤید این مطلب، روایتی است که در آن آمده اهل قدر بر این باور بودند که صحت جسمانی شرط استطاعت حج است و استطاعت قبل از فعل است همان گونه که به زراره نسبت می دهند. ولی امام جعفر صادق علیه السلام استطاعت را به داشتن زاد و توشه و نیز اذن خداوند معنا فرمود و معنای استطاعت قدری ها را نفی نموده اند:

عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْقَدْرِ، فَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - : «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتِطَاعٍ إِلَيْهِ سَبِيلًا»؟ أَلَيْسَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَهُمُ الْإِسْتِطَاعَةَ؟ فَقَالَ: وَيْحَكَ

إِنَّمَا يَعْنِي بِالِاسْتِطَاعَةِ الزَّادَ وَ الرَّاحِلَةَ لَيْسَ اسْتِطَاعَةَ الْبَدَنِ، فَقَالَ الرَّجُلُ: أَفَلَيْسَ إِذَا كَانَ الزَّادُ وَ الرَّاحِلَةُ فَهُوَ مُسْتَطِيعٌ لِلْحَجِّ؟ فَقَالَ: وَيْحَكَ! لَيْسَ كَمَا تَظُنُّ قَدْ تَرَى الرَّجُلَ عِنْدَهُ الْمَالُ الْكَثِيرُ أَكْثَرَ مِنَ الزَّادِ وَ الرَّاحِلَةِ فَهُوَ لَا يَحُجُّ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ تَعَالَى فِي ذَلِكَ؛ (كليني، محمد بن يعقوب، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص: ۲۶۸)

سکونی از امام صادق رضی اللہ عنہ روایت کرده است: مردی قدری از امام رضی اللہ عنہ پرسید: ای پسر رسول خدا، نظرت در باره سخن خداوند متعال که می فرماید: «و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند» چیست؟ آیا خداوند برای مردم استطاعت قرار نداده است؟ امام رضی اللہ عنہ فرمود: وای بر تو! استطاعت به معنای زاد و توشه است و استطاعت بدنی مورد نظر نیست. مرد دوباره پرسید: پس هرگاه زاد و توشه داشت، یعنی مستطیع است؟ (وی می خواست این نتیجه را بگیرد که استطاعت قبل از فعل است). امام پاسخ داد: خیر، نه آن گونه که تو می اندیشی، گاه می بینی که فردی مال زیادی دارد و حج نمی گذارد، مگر این که خداوند به وی اذن دهد.

نظر زرارۀ در این باره چالش برانگیز بود و مخالفت اصحاب امامیه را برانگیخت. تقابلی جریان فکری زرارۀ با جریان فکری هشام بن حکم در بحث استطاعت به خوبی نمایان گر این مخالفت است.

«هشام بن حکم» از اصحاب امام صادق رضی اللہ عنہ و امام موسی کاظم رضی اللہ عنہ است و مباحثه های زیادی در اصول و دیگر مسائل با مخالفین داشته است. کتابی با عنوان «الاستطاعة» «جبر والقدر» برای او معرفی شده است. (خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۲ ه. ش، ج ۱، ص ۲۷۲)

از دیدگاه جریان هشام بن حکم، افزون بر دو عنصر سلامتی و داشتن زاد و توشه، توفیق نیز شرط معنایافتن استطاعت است و توفیق را خداوند ضمن عمل می دهد و استطاعت هم در لحظه عمل به همراه اذن و اراده الهی حاصل می شود. (اشعری، ابوالحسن، ۱۱-۱۲؛ موسوی نیا، سعیده سادات، ص ۱۲۵)

از اندیشه های دیگر زرارۀ که مورد نقد اصحاب «هشام بن حکم» قرار گرفت رأی گرایی وی بود. جناح آل اعین (زرارۀ) و پس از او «عبد الله بن بکیر»، به عمل به گونه ای از رأی شناخته شده بودند

تا آن جا که رأی‌گرایی زراره از سوی رجال مکتب هشام بن حکم که خود به شیوه‌های اجتهادی گرایش داشته‌اند به نقد گرفته شده است. (همان) روایاتی دال بر رأی‌گرایی زراره وجود دارد؛ به عنوان نمونه، در روایتی راوی در باره حکم مسأله‌ای از زراره سؤال می‌کند. هنگامی که وی پاسخ می‌دهد، راوی دوباره پرسش می‌کند: آیا این حکم را بر اساس رأی خود می‌دهی؟ زراره در پاسخ می‌گوید: اَلیس رب رأی خیر من أثر؟ (خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۲ ه. ش، ج ۷، ص ۲۳۵).

با طرح این مقدمات و شناخت جریان‌هایی که در میان امامیه در باره موضوع کلامی استطاعت وجود داشت، نشان می‌دهد که در روایاتی که زراره بن اعین مورد لعن قرار گرفته است. موضوع روایات مربوط به بحث استطاعت است و دیدگاه وی به استطاعت قبل از فعل یکی از مهم‌ترین عوامل تمایز فکری جریان زراره از دیگر جریان‌های امامی بوده که موجب شد در محافل امامی و غیر امامی به صورت وسیع هدف جریان‌سازی قرار گیرد.

همان گونه که ملاحظه شده، جریان فکری زراره بن اعین در تقابل با جریان هشام بن حکم بوده است و در موضوعات مختلف کلامی از جمله استطاعت و رأی‌گرایی مورد نقد گروه مقابل بودند. لذا این احتمال که بیشتر گزارش‌های جرح «زراره» از سوی جریان طرفدار هشام بن حکم نقل شده باشد منتفی نیست.

از تعداد سی روایتی که در آنها زراره مورد جرح قرار گرفته است، تعداد پانزده روایت به حلقه مشترک محمد بن عیسی عیسی می‌رسد. اشتراک جمیع اخبار قاده به محمد بن عیسی قرینه‌ای بر انحراف وی از زراره است. کشی او را منتسب به جریان هشام بن حکم معرفی کرده است؛ اضافه بر این که محمد بن عیسی عیسی توسط شیخ تضعیف شده است و ابن ولید و صدوق نیز برخی روایات ایشان رد پذیرفته‌اند. (موسوی نیا، سعیده سادات، ص ۱۳۰)

نقد: اولاً محمد بن عیسی فقط توسط شیخ تضعیف شده که مرحوم خوئی رحمته‌الله وجه آن را استثناء صدوق و ابن ولید در نقل روایات یونس از طریق ایشان از کتاب نوادر الحکمه دانسته و آن را دال بر ضعف محمد بن عیسی ندانسته بلکه دال بر ضعف روایات وانسته که یونس فقط از طریق ایشان نقل کرده. استثناء صدوق نیز از جهت متابعت از استادش ابن ولید بوده و استثناء ابن ولید در عدم پذیرش روایات یونس از طریق محمد بن عیسی اجتهاد ایشان بوده

که برای ما اعتبار ندارد. بنابراین توثیق نجاشی بدون معارض دلالیت بر اعتبار محمد بن عیسی می‌کند. (خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۲ ه.ش، ج ۱۷، ص ۱۱۷)

برخی از محققین علت استثناء ابن ولید از روایات محمد بن عیسی را منقطع بودن نفس روایات دانسته‌اند و شاهد بر آن از کلام شیخ صدوق ذکر کرده‌اند. (عبدالحکیم، مدقق، سرکلاس درس فقه القضاء در بررسی مقبوله عمر بن حنظله)

ثانیاً: نقل عمدۀ روایات از طریق یک نفر دلیل بر عدم اعتبار یا جعلی بودن آن نمی‌شود. ممکن است شخصی خواص روی یک مطلب تحقیق کرده و روایات مربوط به آن را جمع آوری کرده و دیگران بعد از او همان روایات را از طریق ایشان نقل کرده باشند. در مورد زرارۀ محمد بن عیسی این کار انجام داده با توجه به ثابت بودن وثاقت روات از جهت ایشان ایرادی نخواهد داشت.

۳. رد رای زرارۀ نه خود زرارۀ

راحل دیگری برخی مطرح کرده‌اند این است که روایات وارد رد بر رای و نظر زرارۀ هست نه رد بر خود زرارۀ یعنی حضرت آنچه را دیگران بعنوان رای و نظر زرارۀ نقل می‌کردند مورد پذیرش حضرات معصومین نبودند و مورد نقد و رد واقع شده‌اند. (موسوی نیا، سعیدۀ سادات، ص ۱۱۶-۱۳۴)، شاهد بر آن نیز روایتی حمزه حمران می‌باشد، که قبلاً گذشت، در آنجا تأکید شده بود که حضرت از آنچه دیگران از زرارۀ نقل کرده‌اند برائت جسته است، نه از خود زرارۀ. (کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۱۴۷-۱۴۶)

نتیجہ

در بررسی روایات دال بر انحراف کلامی زرارۀ به این نتیجه می‌رسیم که با توجه به اینکه وثاقت و جلالت زرارۀ در نزد علماء شیعه مسلم است لذا لازم است روایات دال بر ذم ایشان حمل گردد.

راحل اول این بوده که با توجه به اینکه این روایات در مورد موضوع استطاعت مکلف وارد شده و استطاعت نیز از مباحث کلامی مطرح در آن عصر بوده که زرارۀ نیز نظر خود را در میان

اصحاب بیان می فرمودند. ولی عده‌ای من جمله همین ناقلین روایات فهم درست از معنی استطاعت مد نظر زراره پیدا نمی کردند و فهم غلط خود را به ایشان نسبت می دادند. در حالی که استطاعت مد نظر زراه عین همان چیزی است که امام صادق بیان فرموده‌اند، ولی بخاطر دقیق بودن مطلب برخی از اصحاب بیان زراره را درست متوجه نمی شدند و همان فهم غلط خود را برای امام علیه السلام نقل می کردند که از جانب ائمه مورد رد واقع می شد.

راحل دوم هم این بوده که گروهی از شیعیان در صدد جریان‌سازی علیه زراره بوده‌اند. پژوهش در متن روایات، بیان‌گر آن است که موضوع این دسته از روایات مربوط به بحث استطاعت است. قول وی به استطاعت قبل از فعل، یکی از مهم‌ترین عوامل تمایز فکری جریان زراره، از دیگر جریان‌های امامی بود که موجب آن شد در محافل امامی و غیر امامی به صورت وسیع هدف جریان‌سازی قرار گیرد.

راحل سوم هم این شده که روایات وارده رد بر رای و نظر زراره هست نه رد بر خود زراره. یعنی حضرت آنچه را دیگران بعنوان رای و نظر زراره نقل می کردند و مورد پذیرش حضرات معصومین نبودند، مورد نقد و رد واقع قرار می دادند

از احتمالات مطرح شده برای حمل روایت دال بر انحراف اعتقادی، راحل اول و سوم اقربتر به واقع می باشد. علت ذم زراره عدم فهم صحیح ناقلان از عقیده زراره در معنای استطاعت و نسبت دادن آن فهم غلط به زراره بوده است که به تبع آن حضرات معصومین نیز آن فهم غلط را که به عنوان رای و نظر زراره مطرح می کردند رد می فرمودند. لذا ردهای وارد شده در روایات ناظر به همان فهم غلط بوده که به زراره نسبت می دادند نه رد و ذم خود زراره.

کتابنامه

- ابن حبان, م. (۱۳۹۳ هـ). الثقات. (الدكتور محمد عبد المعید خان , تدوین) هند: وزارة المعارف للحكومة العالية الهندية.
- ابن حجر العسقلانی, أ. ا. (۲۰۰۲ م). لسان المیزان. (عبد الفتاح أبو غدة, تدوین) بی جا: دار البشائر الإسلامية؛ الطبعة: الأولى.
- ابن حجر العسقلانی, أ. م. (۱۴۰۱ ق). القول المسدد فی الذب عن المسند للإمام أحمد. القاهرة: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الأولى.
- ابن حجر عسقلانی, أ. م. (۱۳۲۶ هـ). تهذیب التهذیب. هند: مطبعة دائرة المعارف النظامية، الطبعة الاولى.
- ابن حجر هیتمی، شهاب الدین شیخ الإسلام، أبو العباس, أ. ب. (۱۴۱۷ هـ). الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة. (عبد الرحمن بن عبد الله التركي , رضی اللہ عنہ كامل محمد الخراط, تدوین کنندگان) لبنان: مؤسسة الرسالة.
- ابن شاهین, أ. م. (۱۴۰۴ ق). تاریخ أسماء الثقات. (صبحی السامرائی, تدوین) الكويت: الدار السلفية - الطبعة: الأولى.
- أبو الفداء, إ. ۷. (۷۷۴ ق). اختصار علوم الحديث. (أحمد محمد شاكر, تدوین) بيروت - لبنان: دار الكتب العلمية.
- أبو المحاسن، جمال الدین, ی. (بی تا). النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة. مصر: وزارة الثقافة والإرشاد القومي، .
- ابو جعفر طبری, م. م. (بی تا). تهذیب الآثار وتفصیل الثابت عن رسول الله من الأخبار. (محمود محمد شاكر, تدوین) القاهرة: مطبعة المدني.
- أبو زکریا, ی. (۱۴۰۵ ق). معرفة الرجال عن یحیی بن معین. (القصار - الحافظ - بدير, تدوین) بی جا: مجمع اللغة العربية بدمشق.
- أبو عبد الله الحاكم, م. ا. (۱۴۱۱ ق). المستدرک علی الصحیحین. (مصطفى عبد القادر عطا, تدوین) بیروت: دار الكتب العلمية.
- أبو عبد الله, م. (. (۱۴۰۹ - ۱۹۸۹). الأدب المفرد. بیروت: دار البشائر الإسلامية لطبعة: الثالثة.

- أبو يعلى الخليلي قزوینی، خ. م. (١٤٠٩). الإرشاد فی معرفة علماء الحدیث. (د. محمد سعید عمر إدريس، تدوین) ریاض: مكتبة الرشد، الطبعة الأولى.
- ابوحاتم دارمی، م. (١٣٩٦هـ). المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین. (محمود إبراهيم زايد، تدوین) سوريه - حلب: دار الوعي - الطبعة: الأولى.
- أبي حاتم رازی، أ. (١٢٧١ هـ). الجرح والتعديل. حيدر آباد الدکن - الهند: طبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية، الطبعة: الأولى.
- الألبانی، أ.ع. (١٤١٢هـ). سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة. المملكة العربية السعودية: دار المعارف، الرياض.
- الجوزی، ج. (١٣٨٦ هـ). الموضوعات. (عبد الرحمن محمد عثمان، تدوین) مدينة المنورة الطبعة: الأولى: محمد عبد المحسن صاحب المكتبة السلفية بالمدينة المنورة الطبعة: الأولى.
- الذهبي، ش. ا. (١٣٨٢ هـ). ميزان الاعتدال في نقد الرجال. (ع. البجاوی، تدوین) بيروت - لبنان: دار المعرفة للطباعة والنشر.
- السخاوی، ش. م. (١٤٢٤هـ). فتح المغیث بشرح الفية الحدیث للعراقيل. (على حسين على، تدوین) مصر: مكتبة السنة - الطبعة: الأولى.
- الشاطبي، إ. (١٤٢٩ هـ - ٢٠٠٨ م). الاعتصام. المملكة العربية السعودية: دار ابن الجوزی للنشر والتوزيع، الطبعة: الأولى.
- العجلی الكوفي، أ. م. (١٤٠٥ هـ). تاريخ الثقات. بی جا: دار الباز الطبعة: الطبعة الأولى.
- الکلبی المزی، ی. م. (١٤٠٠). تهذيب الكمال في أسماء الرجال. (بشار عواد معروف، تدوین) بيروت: مؤسسة الرسالة.
- بن حجر العسقلانی، أ. م. (٢٠٠٢ م). لسان الميزان. (عبد الفتاح أبو غدة، تدوین) بی جا: دار البشائر الإسلامية الطبعة الأولى.
- بن عدی الجرجانی، أ. (١٤١٨هـ). الكامل في ضعفاء الرجال. (عادل أحمد عبد الموجود - علی محمد معوض، تدوین) بيروت - لبنان: الكتب العلمية.
- ترمذی، م. (١٤١٩ هـ ق). الجامع الصحيح و هو سنن الترمذی. مصر - قاهره: دار الحدیث - چاپ: ١، .
- خطیب البغدادي، أ. ا. (١٤٢٢ هـ). تاريخ بغداد. (الدكتور بشار عواد معروف، تدوین) بيروت:

دار الغرب الإسلامی، الطبعة: الأولى .

سیوطی، ج. م. ۹- (۱۴۲۶ هـ). جمع الجوامع المعروف بـ «الجامع الكبير». (مختار إبراهيم الهائج، عبد الحمید محمد ندا، رضی اللہ عنہ حسن عیسی عبد الظاهر، تدوین کنندگان) القاهرة - جمهورية مصر العربية: الأزهر الشريف.

صلاح الدین العلائی، أ. م. (۱۴۰۵ هـ). النقد الصحيح لما اعترض من أحاديث المصاييح. (عبد الرحمن محمد أحمد القشقری، تدوین) بی جا: بی نا.

طبسی، ن.، رضی اللہ عنہ طبسی، م. (۱۳۸۹). مذهب اباصلت هروی از دیدگاه فریقین. پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی (طلوع نور، سال نهم پاییز ۱۳۸۹ شماره ۳۳، ۶-۲۴.

طبسی، م. (۱۳۸۳). جایگاه روایی اباصلت هروی از دیدگاه فریقین. پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی (طلوع نور سابق)، ۲۲. بازیابی از <http://ensani.ir/fa/article/214539>

علامه الامینی، ع. ا.، رضی اللہ عنہ ش. م. ۱. (۱۴۱۶ ق). الغدير في الكتاب و السنة و الأدب. قم چاپ: اول: مركز الغدير للدراسات الاسلاميه.

متقی الهندی، ع. م. (۱۴۰۱ هـ). كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال. (بكری حیانی، رضی اللہ عنہ صفوة السقا، تدوین کنندگان) بی جا: مؤسسة الرسالة، الطبعة الخامسة.

محمد السخاوی، ش. م. (۱۴۰۵ هـ). المقاصد الحسنة في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة على الألسنة. (محمد عثمان الخشت، تدوین) بیروت: دار الكتاب العربي - الطبعة: الأولى،.

مسلم بن حجاج. (۱۴۱۲ هـ). صحيح مسلم. (م. عبد الباقي، تدوین) مصر - قاهره: دار الحديث. نسائی، ا. (۱۴۱۱ هـ). السنن الكبرى. (ع. بنداری، تدوین) بیروت - لبنان: دار الكتب العلمية،

منشورات محمد عليابو الحسن الاشعري، مقالات الإسلاميين و اختلاف المصلين، سایت کتابخانه مدرسه فقاها. (<https://lib.eshia.ir/71432/1/0>)

برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن - قم، چاپ: دوم، ۱۳۷۱ ق.، المحاسن.

جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ۵۶ جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی

بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ه ق

خوئی، سید ابوالقاسم.، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، جلد: ۸، صفحه: ۲۴۸،

۱۳۷۲ ه. ش.، [بی جا] -، [بی نا]

سعیده سادات موسوی نیا، بررسی روایات لعن «زرارة بن اعین» با توجه به جریان های کلامی

- امامیه، نشریه علوم حدیث، دوره ۲۰ (۱۳۹۴)، شماره ۷۵، ص ۱۲۵
- طوسی، محمد بن حسن. سایر مكتبة المحقق الطباطبائی. محقق عبد العزيز طباطبائی، فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، صفحہ: ۶، ۱۴۲۰ ه.ق.، قم - ایران، مكتبة المحقق الطباطبائی
- طوسی، محمد بن حسن. محقق جواد قیومی اصفهانی، رجال الطوسی، صفحہ: ۳، ۱۴۲۷ ه.ق.، قم - ایران، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، رسائل الشهید الثانی (ط - الحدیث)، ۲ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۲۱ ه ق
- عبدالحکیم، مدقق، سرکلاس درس فقه القضاء در بررسی مقبوله عمر بن حنظله، کشی، محمد بن عمر. خلاصه کتنبه محمد بن حسن طوسی. محقق مهدی رجایی. مصحح محمد باقر بن محمد میر داماد. اختیار معرفة الرجال، جلد: ۱، صفحہ: ۳۴۸، ۱۴۰۴ ه.ق.، قم - ایران، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث
- کشی، محمد بن عمر. خلاصه کتنبه محمد بن حسن طوسی. محقق مهدی رجایی. مصحح محمد باقر بن محمد میر داماد. اختیار معرفة الرجال، جلد: ۱، صفحہ: ۲، ۱۴۰۴ ه.ق.، قم - ایران، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ه.ق.، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص: ۲۶۸
- مامقانی عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، موسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، قم سال ۱۳۸۱، نوبت اول، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه بزرگ اسلامی، (سایت مدرسه فقاہت <https://lib.eshia.ir/23022/1>)
- نجاشی، احمد بن علی. محقق موسی شبیری زنجانی، رجال النجاشی، صفحہ: ۰، ۱۳۶۵ ه.ش.، قم - ایران، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، در یک جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۷ ه ق بیضون.